



ترکیب سطوح حمایت و مقاومت با نواحی عرضه و تقاضا



[https://telegram.me/TRIGGER\\_Ha](https://telegram.me/TRIGGER_Ha)



[http://www.aparat.com/trigger\\_ha](http://www.aparat.com/trigger_ha)

مترجم: نادر اسدی (عضو گروه مترجمین تریگرها)



سطوح حمایت و مقاومت و نواحی عرضه و تقاضا دو مفهوم معامله گری هستند که ارتباط نزدیکی باهم دارند. و هر کدام به این شکل تعریف می شوند: نقاطی که احتمال می رود قیمت از آنجا برگردد و هر دو این سطوح و نواحی را می توان در هر جای نمودار قیمت پیدا کرد. مهمترین تفاوت بین این سطوح و نواحی، این است که در زونهای عرضه و تقاضا ناحیه ای داریم که می توان برای ورود به معامله آن را زیر نظر داشت و سطوح حمایت و مقاومت خطوط ساده ای هستند که میتوان برای ورود به معامله مورد پایش قرار داد.

اگرچه ممکن است این تفاوت کوچک بنظر برسد، اما واقعا نکته مهمی است، چرا چون داشتن یک محدوده برای پایش به منظور ورود به معامله راحت تر از تحت نظر قرار دادن یک خط است. مساله دیگر اینست که معمولا نواحی عرضه و تقاضا نسبت به خطوط حمایت و مقاومت کمتر در نمودار قیمت یافت می شوند و همین نکته نیز می تواند دلیلی بر موفق تر بودن معامله ریورسال روی این نواحی نسبت به خطوط حمایت و مقاومت باشد.

حالا چگونه که بیاییم و این دو تا رو با هم ترکیب کنیم؟

چه اتفاقی می افته اگر بیاییم دقت سطوح حمایت و مقاومت رو با جنبه های مثبت نواحی عرضه و تقاضا ترکیب کنیم؟

به نظر تون بعد از اینکار قادر نیستیم که نقاط دقیق ورود رو در نواحی عرضه و تقاضا بدست آوریم؟ به زودی به جواب سوالهاتون خواهید رسید، اما اجازه بدهید در ابتدا ببینیم مشکلمان با سطوح حمایت و مقاومت چیست؟

## مشکلات مربوط به معامله گری روی سطوح حمایت و مقاومت

مشکل اصلی مرتبط با معامله گری در سطوح حمایت و مقاومت این واقعیت است که مارکت اغلب اوقات زمانی که به این سطوح می رسد جهت برگشت و حرکتش دقیقا معلوم نیست. خیلی از وقتها



نیز مارکت قبل از اینکه این سطوح را ترک کند و برگردد به آرامی در این سطوح می خزد و سایید می شود یا قبل از اینکه به این سطوح برسد بر می گردد. و اینها می توانند از معامله گری در سطوح حمایت و مقاومت یک تجربه خسته کننده و ناامید کننده بر جای گذارد. چرا چون شما بیشتر اوقات می بینید که قیمت به سمت این سطوح حرکت می کند ولی قبل از آن که این سطوح را لمس کند بر می گردد، و یا اینکه سطح مربوطه را رد می کند و بعد از آنکه بنظر می رسد که این سطح را شکسته و می خواهد حرکت خود را ادامه دهد ناگهان بر می گردد.

این در حالیست که تقریباً در معامله گری روی نواحی عرضه و تقاضا با چنین مشکلاتی روبرو نمی شوید. و علتش هم اینست که زونها یا نواحی خودشان یک محدوده را مشخص می کنند که شما می دانید که مارکت باید در آنها برگردد و شما دیگر مثل سطوح حمایت و مقاومت روی یک نقطه تمرکز و نگرانی برای سیگنال برگشت قیمت ندارید و باید یک ناحیه را برای ورود به معامله تحت نظارت قرار دهید. در واقع در نواحی برایتان مهم نیست که سیگنال بازگشتی کجا شکل گرفته باشد و تا زمانی که قیمت در ناحیه عرضه و تقاضا قرارداد این سیگنال بازگشتی می تواند شکل بگیرد.

خوب حالا اگر سطوح حمایت و مقاومت را با زونهای عرضه و تقاضا ترکیب کنید می توانید از بهترین مزیتها بهره مند شوید. یعنی شما دیگر می توانید مشکل تان را با ندانستن اینکه قیمت بتواند به سطوح حمایتی و مقاومتی برسد و یا اینکه وقتی به آنها رسید درون آنها سایید شود حل کنید چرا که قیمت در زونها همچنان احتمال بازگشت را دارد و همچنین مزیت دیگر اینست که زمانی که در زون عرضه و تقاضا به یک سطح حمایتی و مقاومتی برخورد کنید احتمال بازگشت قیمت را زودتر می دهید.



در این جا یک زون تقاضا را در جفت ارز یورو دلار (EUR/USD) داریم که باعث یک برگشت در قیمت شده است.

خطوط مشکی که در اینجا می بینید سطوح حمایت و مقاومتی ای هستند که در داخل این زون تقاضا ایجاد شده اند. در مجموع می توان سه سطح حمایتی در عدد رُند 1/0500 پیدا کرد. اگر این سطوح را قبل از اینکه قیمت به داخل این سطح تقاضا برسد در چارت خود مشخص کرده باشید می توانستید از آنها برای مشخص کردن جایی که احتمالا منشاء بازگشت قیمت از زون بوده است استفاده کنید که این موضوع به شما اجازه می داد تا وارد یک معامله ریورسال با یک حد ضرر خیلی کم شوید.





حالا بیایید به یک نمودار دیگر نگاه کنیم:

در اینجا یک زون تقاضای دیگر داریم که در جفت ارز یورو دلار (EUR/USD) ایجاد شده است. این زون هم حاوی سه سطح حمایتی است که پتانسیل این را دارند که بمحض اینکه قیمت وارد این زون شد بازار را برگردانند. مانند مثال قبل شما نمی دانید که کدام یک از این سطوح می تواند قیمت را بازگرداند، بلکه شما فقط می دانید که برگشت قیمت در یکی از این سطوح تقریباً قطعی است. در این مورد قیمت بعد از برخورد با حمایت شکل گرفته روی عدد رُند 1/05900 برگشته است.



اگر به نمودار تایم پنج دقیقه برویم می توانید ببینید که زمانی که بازار به سطح حمایتی برخورد می کند چند کندل پوشای صعودی (bullish engulfing candles) شروع به شکل گیری می کنند. شما می توانید از این کندل های انگولفینگ برای قراردادن معاملات خرید در بازار برای سود گرفتن از برگشت قیمت استفاده کنید. چرا چون الان می دانید که با برخورد به یکی از سطوح حمایتی داخل زون احتمالاً یک ریورسالی دارد به بیرون زون تقاضا ایجاد می شود.

بطور امیدوار کننده ای با هم دیدیم که مشخص کردن سطوح حمایت و مقاومت درون زونهای عرضه و تقاضا می تواند به ما در مشخص کردن نقاط ورود به پوزیشن های معاملاتی کمک کند.



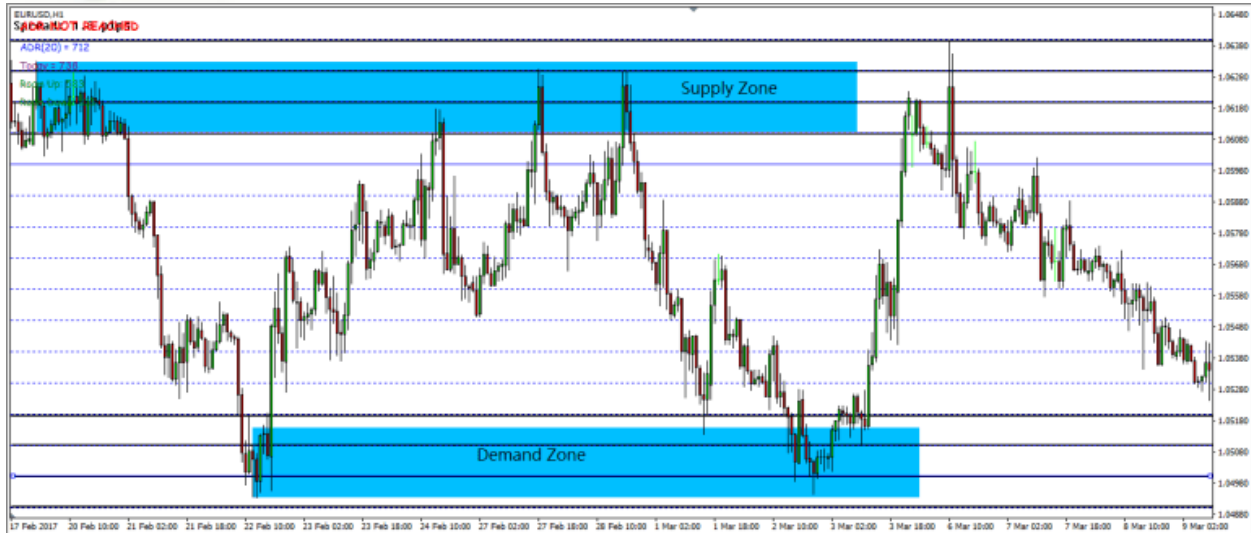
خوب کاری که الان می‌خواهم انجام بدهم این است که به شما یک ایده فوری در مورد اینکه چگونه می‌توانید از سطوح داخل زونها برای موقعیتهای معاملاتی بهره ببرید و نشانتان دهم که اگر معامله‌تان را وارد کردید حد ضررتان را کجا قرار دهید.

### چگونه در سطوح حمایت و مقاومتی داخل زونهای عرضه و تقاضا معامله‌گری کنیم

معامله کردن زمانی که بازار به سطوح حمایتی و مقاومتی ای که داخل زونهای عرضه و تقاضا هستند می‌رسد، بسیار شبیه معامله‌گری روی خود زونهای عرضه و تقاضا است. مرسومترین راهی که می‌توان در یک زون عرضه یا تقاضا معامله کرد این است که یک سفارش شرطی (پندینگ اُردِر) در لبه‌ی زون برای آماده‌باش جهت برگشت قیمت داشته باشیم، و یا اینکه زمانی که بازار وارد زونها شد چشم به رفتار قیمت (پرایس اکشن) مثل تشکیل کندلهای انگولفینگ در تایم فریم‌های پایین‌تر داشته باشیم. این واقعیت که شما نمی‌دانید کدام سطح حمایتی و مقاومتی داخل زون می‌تواند قیمت را بازگشت دهد، بدین معنی است که نمی‌توان از یک سفارش شرطی برای ورود به معامله استفاده کرد، لذا تنها انتخابی که می‌ماند این است که باید به انتظار بنشینیم که سیگنال پرایس اکشنی در زمانی که قیمت به سطوح حمایت و مقاومت داخل زون برخورد می‌کند رخ دهد.

### مکانیابی و مشخص کردن سطوح حمایتی و مقاومتی در داخل زونهای عرضه و تقاضا

اولین قدم این است که همه سطوح حمایت و مقاومتی موجود در داخل زون عرضه و تقاضا را پیدا کنیم، خیلی ساده است ابتدا زونها را در روی نمودار قیمت مشخص می‌کنیم و بعد با استفاده از اندیکاتور (support and resistance) مشخص می‌کنیم که خطوط حمایت و مقاومتی کجا هستند. در اینجا یک مثال از منظره یک نمودار که با استفاده از اندیکاتور خطوط حمایتی و مقاومتی آن مشخص شده‌اند را برایتان می‌آوریم.



کاری که الان لازم است انجام دهید اینست که سطوحی که در نزدیکی زونهای تقاضا با خطوط  
 مشکی مشخص شده است را مارک نمایید، تا بعد از آنکه اندیکاتور را از روی چارت برداشته این  
 سطوح در نمودار باقی بمانند .



بعد از تکمیل مراحل فوق ، کار دیگری که باید انجام داد اینست که زونها را مجددا ترسیم نمایید تا  
 آنهایی که نزدیک ترین به این سطوح حمایتی و مقاومتی هستند مشخص شوند.



خوب در این جا شما می توانید ببینید که من مجدداً زونهای عرضه و تقاضایی که نزدیکترین ها به سطوح بوده اند را ترسیم کرده ام. فقط مطمئن شوید که زمانی که آنها را ترسیم می کنید، آنها را نزدیک یک یک اعداد کلی باشند. بعنوان مثال لبه ی بالاییِ زون تقاضایی پایینی بدواً در 1/0543 بوده و نزدیکترین عدد رُند به آن 1/0500 بوده، بنابراین شما باید این زون را دوباره ترسیم کنید تا این محدوده را نیز ببیند.

## زمانی که مارکت به هر سطحی برخورد کرد بدنال موقعیت ورود بگردید و حد ضرر خود را مطابق با آن تنظیم کنید.

زمانی که سطوح حمایت و مقاومت را بدست آوردید و زونهای عرضه و تقاضا را هم بدرستی مشخص کردید، نیاز خواهید داشت که برای یافتن پتانسیل ورود به پوزیشنهای معاملاتی شروع به مراقبت از سطوح کنید. بهترین راه برای اینکار تغییر تایم فریم به تایم فریم پایین تر و پایش حرکات قیمتی (پرایس اکشن) است که مارکت در زمان درگیری با سطوح داخل زونها بوجود می آورد. تصویر ذیل یک ساختار قیمتی را نشان می دهد که در تایم 5 دقیقه در زمانی که بازار با هر سطح حمایتی در داخل زون تقاضا برخورد داشته بوجود آورده است.





می توانید ببینید که زمانی که مارکت با سطح اول حمایت برخورد کرده یک کندل انگولفیک صعودی ایجاد شده و یک حرکت به بالا بوجود آمده است. این حرکت در نهایت دچار مُشکل شده و موجب ریزش بازار به پایین و حمایت بعدی (پایین تر) شده است. در این سطح حمایتی (ساپورت 2) یک کندل انگولفینگ دیگر ایجاد شده تا مارکت را به بالای های سوینگ به بالایی که در هنگام برخورد مارکت به حمایت اول ایجاد شده بود، براند.

سپس یک سوینگ به پایین دیگر بوجود آمده و باعث شده که مارکت به زیر سوینگ لوی سوینگ به بالایی که با برخورد بازار به سطح حمایتی دوم بوجود آمده بود، بریزد. ریزش دوم قیمت نتوانسته به سمت حمایت سوم که در واقع لبه ی زون تقاضا بوده هدایت شود و مدت کوتاهی بعد از آن بازار دوباره به بالا حرکت کرده و باعث شده که قیمت بطور کامل به بیرون زون برگردد.

دو راه وجود دارد که شما می توانید با این کندل های انگولفینگ صعودی معامله بکنید. راه اول بعد از آنکه دیدید یکی از این دو کندل بوجود آمد می توانید یک معامله خرید با قرارداد



حد ضرر آن در نزدیکترین سطح حمایتی ، در بازار وارد کنید. که این حد ضرر 12 تا 17 پیپ بسته به اینکه تصمیم گرفته باشید در کدام کندل وارد شوید می توانست متغیر باشد.

راه دوم اینکه می توانستید یک معامله با حد ضرر در لبه ی زون تقاضا وارد کنید، که در اینجا حد ضرر چیزی در حدود 17 تا 21 پیپ بسته به محل ورود بر اساس کندل انگولفینگ بوده است.

معمولا قرار دادن حد ضرر در لبه ی زون ایده ی بهتری است ، به این دلیل که شما در مقابل حرکات اسپایک و خوردن استاپ بعد از قرار گرفتن معامله در بازار محافظت می کند.

در مثالی که زدیم، اگر شما یک معامله هرید در بازار قراردادده باشید با حد ضرر در روی نزدیکترین سطح حمایتی مثلا اگر ورودتان بر مبنای کندل انگولفینگ اول بوده باشد حد ضررتان را روی ساپورت دوم قرار داده باشید، احتمالا در صورتیکه قیمت دوباره ریزش می کرد(که کرد) شانس بالایی برای خوردن پول و از دست دادن پول وجود داشته در حالیکه اگر استاپ لاس را در لبه ی زون ست کرده باشید این شانس بسیار کم خواهد بود.

خوب حالا بیایید نگاهی به یک مثال دیگر بیاندازیم





در اینجا یک زون عرضه دیگر در جفت ارز یورو دلار داریم. می‌توانید ببینید که سطوح حمایت و مقاومتی که میتوان در حول و حوش زون تقاضا یافت را مشخص کرده‌ام و همچنین زون را برای انطباق با سطوح حمایت و مقاومت نزدیکتر مجدداً رسم کرده‌ام. خوب حالا بیایید با هم به تایم 5 دقیقه برویم تا ببینیم آیا میشه یک سیگنال پرایس اکشنی پیدا کرد که بشه باهش، زمانی که مارکت بداخل زون تقاضا وارد میشه یک ترید خرید در بازار قرارداد.



در چارت تایم 5 دقیقه می‌توانیم ببینیم زمانی که بازار با سطح حمایتی که در وسط زون تقاضا قرار دارد برخورد می‌کند دو کندل صعودی انگولفینگ ایجاد می‌شود. اولین کندل قیمت را به بیرون زون می‌راند اما کاملاً باعث ریورسال و بازگشت قیمت نمی‌شود، در حالیکه دومین کندل مارکت را کاملاً به بازار می‌راند اما در این وسط یک حرکت اسپایک به عقب که باعث بوجود آمدن یک پین بار صعودی شده هم وجود داشته (که با علامت ضربدر مشخص کرده‌ام)

نقطه ورود شما باید در یکی از کندلهای باشد که بازار در زمانیکه با سطوح حمایتی برخورد کرده بوجود آورده.



کندل انگولف دوم احتمال بالاتری برای موفقیت دارد چرا چون دومین سویینگ او را در ریورسال بوجود آورده، اما کندل اول نیز اگر نخواهید بدنبال شواهد و تایید بیشتری برای ریورسال به بیرون زون تقاضا باشید موقعیت مناسبی برای معامله دارد. حد ضررتان در معامله دیگر باید در سطح حمایت که لبه ی زون تقاضا را تشکیل داده باشد که در این مورد در حدود 20 تا 25 پیپ بسته به اینکه در کدام کندل تصمیم گرفته اید وارد معامله شوید متفاوت است.

### حد سود در زمانی که بازار یک هایر های جدید یا لوور لوی جدید می سازد.

زمانی که در یک معامله خود را در سود می بینید ، و بازار از زون عرضه یا تقاضا برگشت کرد، آخرین کاری که باید بکنید اینست که قسمتی از معامله را در سود ببندید، بخاطر اینکه مطمئن شوید که اگر احتمالاً بازار خواست سر ناسازگاری گذاشته و بخاطر اتفاقاتی برخلاف جهت ورود شما حرکت کند کار شما به ضرر یا بدون نتیجه ختم نشود انجام اینکار ضروری است.

به تجربه به این نتیجه رسیده ام که بهترین زمان برای برداشت سود اگر وارد یک معامله خرید شده اید بعد از آن است که بینیم مارکت یک هایر های ساخته است. و اگر وارد یک معامله فروش شده اید بعد از آن است که بازار یک لوور لو ساخته باشد.

اما با وجود توضیحات بالا خروج از معامله همواره به نظر من باید منطبق بر معیارهای شخص معامله گر باشد.